

# وارونه‌نمائی و مغالطه‌های رهبری

نقد اجمالی سخنان ۱۴ خرداد ۱۴۰۱ خامنه‌ای



محسن کدیور

۱۵ خرداد ۱۴۰۱

ضمن عرض تسلیت به خانواده های داغدار فاجعه متروپل آبادان، فروریختن این ساختمان نوساز به دلیل فساد نهادینه اداری و رانت‌خواری مسئولان ارشد جمهوری اسلامی نماد سست‌بنیادی اصل نظام است. جمهوری اسلامی متروپل فساد و فریب است که دیر و زود شاهد آوارشدن آن خواهیم بود. متروپل آن روی دیگر سینما رکس آبادان است، دیروز انقلابی‌های بی اخلاق سینما را آتش زدند تا کشته شدن مظلومانه چند صد شهروند بیگناه را به پای رژیم شاه بیندازند، و امروز با تخلف اخلاقی و قانونی دیگری چند ده شهروند مظلوم زیر آوار می مانند تا معلوم شود نظام از اساس اخلاق‌ستیزانه و ناکارآمدانه بالا آمده است.

سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی ۱۴ خرداد ۱۴۰۱ خود بر سر مزار خمینی در سی و سومین سالگرد رهبریش، تحلیل خود را از «انقلاب، نظام و امام» ابراز کرد. او در این سخنرانی به شیوه وارونه نمایی چیزهای بسیاری دور از واقع گفت و در مقابل به مهمترین مشکلات مردم ایران کمترین اشاره ای نکرد. در این سخنرانی حتی یک بار از بحران گرانی و تورم فزاینده که بر شانه های مردم به شدت سنگینی می کند سخنی گفته نشد، در عوض طبق معمول مهمترین کلیدواژه سخنرانی «دشمن» بود (۱۳ بار).

به پنج نکته از سخنان رهبری اشاره و به اختصار تحلیل انتقادی می کنم.

**اول.** خامنه ای در مقایسه انقلاب ۵۷ با انقلابهای فرانسه و شوروی گفت: «در این انقلابها معنویت مغفول بود و هر دو انقلاب بعد از مدتی کوتاه منحرف شدند و مردم را که باعث پیروزی آنها بودند به کنار زدند و عملاً به دوران گذشته برگشتند اما انقلاب اسلامی بعد از پیروزی هم با انتخابات پی در پی، تکیه مستمر بر مردم و توجه همزمان به جنبه‌های مادی و معنوی انسان جلو رفته است.»

**بررسی:** اولاً انقلاب امری دنیوی است که به تغییر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌انجامد، اما اینکه انقلاب چه ربطی به معنویت دارد حرف بی پایه‌ای در علوم سیاسی و اجتماعی است. ثانیاً بر خلاف ادعای رهبری، انقلاب ۵۷ در جنبه‌های مادی و رفاهی موفق نبوده، با دخالت حکومت در امور دینی و معنوی در این جنبه هم کارنامه‌ای ناموفق داشته است. ثالثاً اینکه انقلاب ۵۷ ایران برخلاف انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی مردم را کنار زده و به دوران گذشته بازنگشته است کاملاً خلاف واقع و وارونه‌نمایی است. بسیاری از مردم ایران شیخ استالین را در پاستور و روح ناپلئون را در ماجراجویی‌های سپاه قدس در منطقه به وضوح مشاهده می‌کنند. رابعاً انتخابات غیر دموکراتیک غیررقابتی جایی برای پز دادن ندارد. در بسیاری از نظامهای دیکتاتوری مشابه آن یافت می‌شود.

**دوم.** رهبری در توصیف کرامات بنیانگذار جمهوری اسلامی گفت: «مهمترین دغدغه و نقشه راه امام در این دوران، فاصله‌گذاری میان طرح «جمهوری اسلامی» با «فرهنگ و قاموس غربی» بود. بر همین اساس امام اصرار داشت که جمهوری اسلامی وام گرفته از «جمهوری» و «مردم‌سالاری» غربی نیست بلکه برگرفته از اصل اسلام است.»

**بررسی:** اولاً نقشه راه خمینی «نه شرقی نه غربی» بود، حال آن که نقشه راه خامنه‌ای «نه غربی نه شرقی» است. به عبارت دیگر با انقلاب ایران از زائده غرب بودن درآمد، در دهه اول علاوه بر غرب‌ستیزی به شوروی (آن زمان) و چین باج داده نشد. اما در دوران خامنه‌ای چین و خصوصاً روسیه جای سابق آمریکا را در ایران گرفته‌اند. آیا پاستور بدون اجازه کرم‌لین اجازه آب خوردن دارد؟ خامنه‌ای حداقل در سیاست خارجی «نگاه به شرق» از خط خمینی منحرف شده است. ثانیاً اینکه جمهوری و مردم‌سالاری از کجای اسلام درمی‌آید از حرفهایی است که خامنه‌ای توضیح نداده است و از مغالطات مشهور نظام است. ثالثاً اگر مراد از جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری اسلامی همین است که در این چهل و چند ساله دارد پیاده می‌شود یقیناً صریحاً نفی جمهوریت، مسخ مردم‌سالاری، تزویری بزرگ و فریبی تلخ است.

**سوم.** رهبری پریشی مطرح کرد و خود پاسخ داد: «این مکتب و الگویی که امام طراحی و پایه‌گذاری کردند تا چه میزان در زمان امام و بعد از ایشان تحقق پیدا کرده است؟ پاسخ من با اطلاع از حقایق کشور این است که «جمهوری اسلامی در همه سرفصل‌ها همچون مردم‌سالاری، پیشرفت‌های علمی، امور دیپلماسی، اقتصادی و خدمات عمومی موفقیت‌های بزرگی به دست آورده که انکار آنها بی‌انصافی است البته ناکامی‌ها نیز کم نبوده است یعنی هم پیشرفت داشتیم و هم ضعف و ناکامی».

**بررسی:** پریشی کاملاً به جا و پاسخی غیرکارشناسانه و وارونه‌نمایی است. اگر همان چهار محور عدالت، استقلال، آزادی و اسلام را در نظر بگیریم باید گفت: به لحاظ عدالت اجتماعی و قضایی اگر وضع نسبت به قبل از انقلاب بدتر نشده باشد قطعاً بهتر نشده است. فساد ساختاری و اختلاسهای نجومی شاهد آن است. به لحاظ استقلال از وابستگی به آمریکا به وابستگی به روسیه و چین مبتلا شده ایم. این کجا و موازنه منفی مصدق کجا؟ به لحاظ آزادی مثل دوران شاه همچنان خفقان، زندان، شکنجه، سرکوب احزاب و تشکلهای مستقل صنفی و سیاسی، و سانسور رسانه‌ها و فضای بسته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ادامه دارد. به لحاظ اسلامی در حکومت دینی دین حکومتی البته پیشرفت فراوانی کرده است، اما با رسوخ خوره ریا و دورویی و ظاهرسازی ایمان و دین مردم به شدت آسیب دیده است.

دیپلماسی و اقتصاد به اصطلاح مقاومتی دقیقاً بر خلاف منافع ملی ایران پیش می‌رود. قاطعانه می‌توان گفت در هفتاد سال اخیر سیاست خارجی و اقتصاد ملی ایران هرگز به این ضعیفی نبوده است. شکاف دولت و ملت و بی‌اعتمادی عمومی به حاکمیت به شدت تنزل پیدا کرده است. اگر مراد از پیشرفت‌های علمی موشک، پهباد و صنایع هسته‌ای باشد نادرست نیست، اما اگر هزینه و فایده شود معلوم می‌شود که آیا با هزینه‌ای که صرف شده نتیجه به دست آمده چقدر قابل دفاع است. به علاوه سرمایه‌گذاری در این امور در جدول منافع ملی کشور از کدام اولویت برخوردار است؟

توانمندی نظامی کشور مذموم نیست، اما به قیمت بی‌اعتنایی به منافع ملی و رضایت عمومی و وابستگی رو به تزاید به دول خارجی (روسیه و چین) چه ارزشی دارد؟ مگر ایران قبل از انقلاب قدرت اول نظامی منطقه نبود؟! اگر سیر ارائه خدمات عمومی قبل از انقلاب با بعد از انقلاب به شکل علمی مقایسه شود وارونه‌نمایی خامنه‌ای آشکار می‌شود. در مجموع کارنامه جمهوری اسلامی کارنامه قبولی نیست. نظام در رفع حوایج روزمره مردم کاملاً ناموفق بوده و نارضایتی عمومی و ناامیدی مردم از نظام سیر نزولی با شیب تند دارد.

**چهارم.** رهبری در توضیح عنوان «امید بستن دشمنان به اعتراضات مردمی برای ضربه زدن به کشور» ادعا کرده است: «در جمهوری اسلامی، عامل مردم عامل بسیار مهمی است و دشمنان نخواهند توانست ملت را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند.»

**بررسی:** اعتراضات رو به تزاید مردمی در ایران یک واقعیت است. فاصله اعتراضهای عمومی هر بار کوتاه‌تر می‌شود. میزان نارضایتی عمومی از حاکمیت در تاریخ جمهوری اسلامی در اوج خود است. اینکه دشمنان هر نظامی به اعتراضات مردمی دل ببندند غیرقابل انکار است، اما این ادعا دقیقاً مشابه با ادعای شاه قبل از انقلاب است. سیدعلی خامنه‌ای و محمدرضا پهلوی با منطق واحدی اعتراضات مردمی را سرکوب می‌کنند. حساب اعتراضات صنفی و شورشهای خیابانی در واکنش به گرانی افسارگسیخته را باید از تمایل قدرتهای خارجی جدا کرد. اینکه در جمهوری اسلامی مردم محلی از اعراب دارند، ادعایی واهی است. اگر عامل مردم مهم بود، در انتخابات آزادانه و رقابتی مجلس و ریاست جمهوری و خبرنگان بروز می‌کرد. عاملیت مردم در نظام جمهوری اسلامی و در حقیقت جمهوریت نظام با شیبی تند سیر نزولی دارد.

امروز اکثریت مردم ایران مقابل نظام هستند. این تقابل را دشمنان اسلام نساخته‌اند. این تقابل عمیق دست‌پخت حاکمیت جمهوری اسلامی است، به دلیل فریب و خیانت به اعتماد ملی، در باغ سبز نشان دادن و وعده بهشت دادن و جهنم ساختن، گماردن بی‌سوادترین و غیرمجبرب‌ترین افراد در پستهای کلیدی، فساد نهادینه، و ناکارآمدی. مطالبات خامنه‌ای و حاکمیت در تقابل یک صد و هشتاد درجه‌ای با مطالبات ملی است. آنچه

اکثریت مردم ایران می‌طلبند، به نظر رهبری و سپاه انحراف از خط موهوم انقلاب است. دغدغه اصلی نظام کاستن از رنج مردم و افزایش آبادانی و رفاه عمومی نیست.

دغدغه اصلی نظام شکستن هیمنه امپریالیسم و حذف اسرائیل از صحنه روزگار است و برای رسیدن به چنین اهدافی همتش مصروف به دستیابی به سلاح هسته‌ای است، اینکه معلم و کارگر و بازنشسته و کارمند چه رنجی از گرانی و تورم معلول تحریمهای برخاسته از ماجراجویی‌های منطقه‌ای تحمل می‌کنند در سیاست‌گذاریهای ایدئولوژیک نظام هیچ نقشی ندارد. اگر خامنه‌ای ذره‌ای در تقابل اکثریت مردم با سمت و سوی نظام تردید دارد برگزاری همه‌پرسی عمومی فصل الخطاب است. اطمینان دارم در یک همه‌پرسی آزاد اکثریت مردم ایران به جمهوری اسلامی «نه» می‌گویند. این گوی و این میدان.

**پنجم.** ادعای بزرگ رهبری در این سخنرانی این است: «امروز گرایش مردم به دین و انقلاب یقیناً بیش از ابتدای انقلاب است.» دلیل وی بر رویگردان‌نشدن مردم ایران از دین و روحانیت و نظام اسلامی «حضور شکوهمند و ابراز احساسات مردم در تشییع جنازه‌های» سردار قاسم سلیمانی و مراجع و فقهای همچون آقایان صافی گلپایگانی و بهجت است که «با گرمی داشت هیچ شخصیت سیاسی و هنری دیگر در کشور قابل مقایسه نیست و نشان‌دهنده اعتقاد مردم به روحانیت، دین، جهاد و مقاومت است.» رهبر «حضور مشتاقانه جوانان در مراکز اعتکاف و اجتماعات عظیم معنوی و همچنین راهپیمایی‌های با شکوه ۲۲ بهمن و روز قدس را نشانه‌های دیگری از وفاداری ملت به راه امام» دانست و افزود: «نمونه دیگری از ارادت دینی مردم، اظهار شوق و ارادت آحاد مردم از پیر و جوان و کودک در سراسر کشور به ساحت حضرت ولی عصر (عج) در قالب سرودی است که این روزها پخش شده است»

**بررسی:** اینکه امروز گرایش مردم به دین و انقلاب یقیناً بیش از ابتدای انقلاب است وارونه‌نمایی و فرار به جلو است. با قاطعیت می‌توان گفت گرایش مردم به دین حکومتی، انقلاب، نظام و روحانیون حکومتی قطعاً بسیار کمتر از ابتدای انقلاب است. کافی است با حساب سرانگشتی تعداد روحانیون را در دوره‌های مجلس از ابتدا تا

کنون مقایسه کنید. البته مردم نسبت به خدمت نظامیان در دفاع از مرزها در مقابل تهاجم صدام و نیز تعرض داعش قدرشناس هستند. اینکه یک سردار ایرانی توسط رئیس جمهور زیاده طلب سابق آمریکا برخلاف مقررات بین المللی ترور شود مردم با شرکت در مراسم تشییع جنازه او انزجار خود را از اقدام شنیع ترامپ ابراز کرده اند. این را نمی توان به عنوان دفاع از نظام مصادره کرد. آری، زمانی که رهبر جمهوری اسلامی دار فانی را وداع کند، میزان شرکت مردم در تشییع جنازه او را می توان یکسره به پای نظام گذاشت.

مراجع و فقهای مستقل هنوز مورد احترام مردم هستند. هر دو مثال زده شده از این دسته هستند. اقبال مردم به آنها هیچ ربطی به نظام و رهبری ندارد. اگر نظر مرحوم بهجت درباره ولایت فقیه و نظام مستندا منتشر شود واضح می شود که رهبری چقدر از اعتبار ایشان سوء استفاده کرده است. آخرین مصاحبه مرحوم صافی بیان حرف دل مردم ایران درباره ریشه گرانی بود. شرکت مردم در تشییع جنازه ایشان هم هیچ ربطی به خامنه ای و نظام ندارد. اما ادعای ماقبل آخر رهبری در این قسمت هم حرفی کاملا بی پایه است. کافی بود امکان آزادانه تشییع جنازه امثال محمدرضا شجریان خواننده ملی کشور فراهم می شد تا سستی ادعای رهبری در مقایسه گرامی داشت شخصیت‌های هنری و سیاسی با روحانیون و سرداران واضح می شد.

اعتکاف و راه‌پیمایی‌های حکومتی نشانه تظاهر به دینداری هست، اما نشانه ایمان و دینداری به حساب نمی آید. مراد خامنه ای در بخش اخیر سخنانش سرود «سلام فرمانده» است. اینکه این سرود فاشیستی بندتنبانی به عنوان شاهد وفاداری مردم به نظام از سوی رهبری آن آورده شده نشانه ابتذال هنر در جمهوری اسلامی و سستی دعاوی رهبری آن است.



**خاتمه.** کلامم را با اشاره ای به سه آقازاده به پایان می برم: رضا آقازاده محمدرضاشاه مخلوع، سیدحسین آقازاده سیداحمد خمینی متولی مرقد امام، و سیدمجتبی آقازاده مقام رهبری. زمانی سخن شاهزاده پهلوی مسموع می شود که سیاستهای پدرش را نقد کند، از آن راه و رسم تبری جوید و ثروتهای غارت شده مردم ایران را پس دهد. شعار «رضاشاه روح شاد» واکنش خشم‌آلود اندکی از شهروندان نسبت به سیاستهای ایران‌ستیزانه نظام جمهوری اسلامی است که از سوی رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور بزرگ‌نمایی می‌شود. راه‌هایی ایران ارتجاع به نظام سلطنتی و سرکار آوردن بازمانده خاندان پهلوی نیست.

متولی مزار بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز باید نسبت خود را با عملکرد پدر بزرگش مشخص کند. یک خمینی برای تاریخ ایران کافی است. بازگشت به دوران به‌اصطلاح طلایی امام ارتجاع دوم است. اگر قرار است نظام آخوندشاهی موروثی شود و آقازاده خامنه‌ای جانشین او شود، اولاً باید استرجاع گفت، ثانیاً حداقل این عدول از خط به‌اصطلاح امام است. علیرغم تمایل سیداحمد، پدرش بدعت موروثی شدن نظام آخوندشاهی را از خودبه‌جان گذاشت.



راه‌رهایی ایران کنار گذاشتن سه خانواده پهلوی، خمینی و خامنه‌ای است. ایران هوای تازه می‌خواهد. شاه و آخوند و سردار موانع راه بوده‌اند. یکه‌سالاری سلطنتی، استبداد دینی آخوندشاهی، یا حکومت نظامی سرداران سپاه نسخه غلط پیچیدن و آدرس غلط دادن است. آینده ایران با نجات کشور از جمهوری اسلامی، همه‌پرسی عمومی برای انتخاب نظام جدید، انتخاب مجلس مؤسسان برای نگارش قانون اساسی جمهوری دموکراتیک سکولار رقم می‌خورد.



[kadivar.com](http://kadivar.com)

<https://kadivar.com/19551/>  
[kadivar.mohsen59@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen59@gmail.com)

تمام حقوق محفوظ است.  
 نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.